

فلسفه تاریخ نزد متفکران ایران و اسلام

از جمله دانش‌هایی که در پرتو ظهور اسلام نمو یافت و واجد شکوفایی افزون شد، دانش تاریخ و به تبع آن فن تاریخ‌نگاری بود. آنچه روشن است مورخان مسلمان که البته بیشترین آنان ایرانی بودند...



از جمله دانش‌هایی که در پرتو ظهور اسلام نمو یافت و واجد شکوفایی افزون شد، دانش تاریخ و به تبع آن فن تاریخ‌نگاری بود. آنچه روشن است مورخان مسلمان که البته بیشترین آنان ایرانی بودند با وجود بهره گرفتن از فرهنگ‌های مختلف، در تاریخ‌نگاری به گونه‌ای بنیانگذار و پیش‌تاز بوده‌اند. اما براساسی مسلمانان در تاریخ چه دیدند که چنین بدان روی آوردند؟ مورخان مسلمان فلسفه تاریخ را چگونه تحلیل و تبیین می‌نمودند؟ دیدگاه‌های تاریخ‌نگرانه تاریخ‌نگاران نام‌آوری چون طبری، جوینی، ابن‌خلدون، بیهقی، خواجه رشیدالدین، ابوعلی مسکویه، مسعودی، بیرونی و ده‌ها نویسنده دیگر بر چه پایه‌هایی استوار بوده و در نگرش علمی آنان دانش تاریخ چه جایگاهی داشته است؟

بایسته است یاد شود نگارنده در این سلسله نوشتارهای خویش به دنبال آن است تا پاسخی درخور بر پرسش‌های فوق بیابد و در این راه در هر مقاله کندوکاو در آرا و آثار یکی از تاریخ‌نگاران نامدار را هدف و آرمان خویش قرار خواهد داد، با این وجود ضروری است پیش از آن‌که به تحلیل اندیشه افراد به صورت مجزا دست یازیده شود مقدماتی درباب کلیات تاریخ‌نگاری و فلسفه تاریخ در ایران و اسلام ارائه گردد تا بنیان‌های کلی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری ایرانی - اسلامی درک شود، البته پوشیده نیست که شناخت سهل‌تر و بهتر اندیشه هر یک از مورخان نامی پیامد و پیرو موفقیت در تشریح درست مورد فوق است.

آنچه واکاوی کتاب‌های تاریخی و رسائل فلسفی به یادگار مانده از ادوار مختلف تاریخ به دست می‌دهد آن است که بیشتر حکمای مسلمان و بویژه فلاسفه سده‌های نخستین اسلامی در بحث از علوم گوناگون و رده‌بندی دانش‌ها، تاریخ را کمتر مورد تفقد قرار داده‌اند، حتی بسیاری از سرآمدان علم تاریخ‌نگاری را تحقیر کرده و آن را افسانه‌هایی بی‌ارزش نامیده‌اند. درحقیقت، بیشتر فلاسفه به پیروی از ارسطو تاریخ را علم نمی‌شمردند و در طبقه‌بندی خود از علوم از آن به عنوان دانش یاد نمی‌کردند، زیرا براساس فرضیه ارسطو علم تنها در صورتی به دست می‌آید که یک تصدیق کلی حاصل شود و طبیعت و علل یک طبقه از اشیا را توضیح دهد. هویداست که با ارائه تعریفی چنین تاریخ را نمی‌توان ازجمله علوم برشمرد.

علم نپنداشتن تاریخ از سوی خردمندان مسلمان چندان گستردگی یافت که گروه‌هایی چون معتزله که همواره در پی کشف علل و عوامل رخدادها بودند و همچنین برخی اصحاب فلسفه چون بوعلی‌سینا و ابونصر فارابی با وجود آن‌که درباره علم مدنی و سیاست سخن گفتند به سبب پیروی از سنت ارسطو و تمسک به طبقه‌بندی علم از دیدگاه وی برای تاریخ جایگاهی نیافتند.

در این میان برخی صاحبان اندیشه و دسته‌هایی از خردگرایان بودند که تاریخ را در زمره علوم به شمار آوردند. ابن‌فرجون، نویسنده کتاب جوامع‌العلوم، در قرن چهارم هجری از تاریخ به عنوان علم یاد کرد. او در حقیقت نخستین مسلمانی بود که تاریخ را واجد چنان شایستگی پنداشت که بخشی از علم محسوب شود. خوارزمی اندک زمانی پس از او و ابن‌حزم در سده پنجم هجری از علم اخبار به عنوان یکی از شاخه‌های مستقل علوم یاد کردند و آن را دارای مراتبی مشخص پنداشتند. گروه اخوان‌الصفا که ظاهراً بیشترین آنها را ایرانیان تشکیل می‌دادند و مرامشان تصفیه مذهب از وهم و خرافه و سازگار کردن دین با عقل و منطق بود نیز علم سیر و اخبار را واپسین شاخه از علم‌الریاضه که برای صلاح کار دنیا وضع شده برشمرده‌اند.

در حقیقت پیرو رواج چنین اندیشه‌های متضادی درباره تاریخ در جوامع اسلامی بود که افرادی چون ابن‌عبدربه در کتاب العقدالفرید ابراز می‌داشتند تاریخ علم است، اما علمی مختص پادشاهان و فرمانروایان!

به هر روی، چنان‌که پیشتر نیز گفته آمد تاریخ چه از سوی اندیشه‌ورزان مسلمان علم شناخته شده باشد و چه از سوی آنان در زمره علوم به شمار نیامده باشد در مجموعه آثار فرهنگی دنیای اسلام و بویژه ایران زمین جایگاهی ویژه و غیرمعمول داشته است. این دعوی از آنجا مستفاد می‌شود که تاریخ‌نگاری در ایران و اسلام چه از نظر کمیت، چه از حیث کیفیت و چه از آن جهت که وقتی شاخه‌های علوم سیرری رو به نزول یا رکود داشت نیز زنده بود و حتی گهگاه به مانند عصر ایلخانان با پدید آمدن رسائل ارزشمندی چون جامع‌التواریخ رشیدی، جهانگشای جوینی و تاریخ و صاف، رشدی دوباره و نموی دوچندان می‌یافت.

بازخوانی نقادانه و همراه با نکته‌سنجی آثار تاریخی ایران و اسلام نشانگر آن است که بیشتر نگارندگان این آثار، خارج از برخی نظرگاه‌های متفاوتشان درباب فلسفه تاریخ، پیرو یکی از دو نگرش زیر بوده‌اند:

الف: انگاره‌ای که مبین همگامی و همراهی تاریخ با رسالت مذهبی بود. باورداران به برداشتی این‌چنین از فلسفه تاریخ بدان معتقد بودند که تاریخ هیچگاه نباید تکالیف دینی خود را در طرح فرضیات رها سازد، تاریخ بشر در جهت است که برابر فرمایش خداوند، صالحان میراث‌خوار زمین می‌شوند، تاریخ باید یاریگر علوم مذهبی و از جمله حدیث و تفسیر باشد. می‌توان گفت پیروان این دیدگاه، تاریخ را فنی از فنون علم حدیث نو می‌پنداشتند و به همین جهت شاید اخباری‌گرایان لقبی شایسته آنان باشد.

ب: انگاره‌ای که تاریخ را سلسله تجارب و سودمند برای آیندگان می‌پنداشت. هواداران این ایده بر ضرورت درک عقلانی و علت امور تاکید داشتند و باورشان بر آن بود که یقین باید بر دلایل عقلانی متکی باشد. تاریخ‌نگاران مرتبط با این نگرش به هیچ‌وجه اخباری که تنها برهان و دلیل بر صدق آنها زنجیره‌ای از روایان متعدد بودند را نمی‌پذیرفتند. می‌توان اشاره داشت که طرفداران این نظرگاه، تاریخ به دور از تدبیر را هیچ می‌انگاشتند و به همین سبب شاید تدبیرگرایان نامی برازنده آنان باشد.

آنچه هویدا است بیشتر تاریخ‌نگاران متعلق به هر دو طیف یادشده گرایش به جبر داشته و تمام رویدادهای جهان را مخلوق اراده و مشی پروردگار می‌پنداشتند و تحقق این مشیت را هدف و معنای واقعی تمام تاریخ می‌دانستند. باور داشتن به چنین فلسفه‌ای برای تاریخ همانگونه که عبدالحسین زرین‌کوب، ادب‌پژوه و تاریخ‌نگار نامدار معاصر، نیز در کتاب تاریخ در ترازو بیان داشته است چندان شگفت نمی‌نماید، زیرا پیشینه تاریخ‌نگاران جهان و از جمله تاریخ‌نگاران غربی هم چه در دوران پیش از مسیحیت و چه در روزگار کلیسا تمامی رخدادهای گیتی را تحقق مشیت خداوندی برمی‌شمردند.

پیروان هر دو نگرش فلسفی فوق همچنین شرط عمده صحت تاریخ را عادل بودن مورخ و ضبط منصفانه وقایع از سوی وی می‌دانستند. ابوریحان بیرونی اذعان می‌داشت تاریخ‌نگار باید ذهن خود را از تعصب و غلبه و پیروی از هوس و ریاست‌جویی که مانع دیدار حقیقت هستند بزداورد و دور از تمام اغراض به بررسی اقوال گذشتگان بپردازد.

با این وصف، این نکته را نیز نباید از خاطر دور داشت که به رغم رخنه و رسوخ چنین ایده‌هایی در تفکر تاریخ‌نگاران ایران و اسلام، بینش قومی و باورهای مذهبی از جمله مولفه‌های موثر در نحوه نگارش تاریخ از سوی آنان بوده است. این نکته بدان مفهوم است که آثار تاریخ‌نویسان هر عهد و زمانی تا اندازه‌ای پژوهش و بازتابی از دگرگونی‌های محیط فکری و فضای سیاسی و فرهنگی آن دوره است.

دکتر امیر نعمتی لیمائی